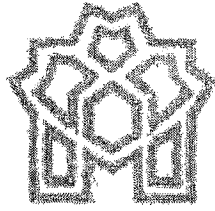


VAB.1

۱۳۸۱/۱۱/۱۵
۱۳۸۱/۱۱



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت
(گرایش تعلیم و تربیت اسلامی)

موضوع: بررسی تطبیقی عمل و دلالت های تربیتی آن در اندیشه های مرتضی
مطهری و جان دیویی

استاد راهنما: دکتر ایراندخت فیاض

استاد مشاور: دکتر سعید بهشتی

استاد داور: دکتر محسن ایمانی

۱۳۸۷/۱۱/۲۵

محقق: سهراب دهقان

تاریخ دفاع: دیماه ۸۷

دفتر اطلاعات و مدارک علمی برهان
تربیتی

۱۰۶۹۷۸

تقدیم به :

همسر و دو فرزندم

تشکر و قدردانی:

با تشکر از استاد راهنما سرکار خانم دکتر فیاض که در زمان انجام این پژوهش با صبر فراوان اینجانب را راهنمایی فرمودند.

با تشکر از استاد مشاور جناب آقای دکتر بهشتی که با راهنماییهای ضروری و به موقع خود اینجانب را یاری نمودند.

با تشکر از دوست گرامی آقای عبدالله نوحی که در بسیاری از کارهای مربوط به این پژوهش اینجانب را یاری رساندند.

و با تشکر از خانواده خود که در زمان انجام این پژوهش بسیار صبور بودند.

چکیده:

این تحقیق به منظور بررسی تطبیقی عمل و دلالت های تربیتی آن در اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی انجام شده است ، و شش سوال را در بر می گیرد .

در سوال اول مفهوم عمل در اندیشه های مطهری و دیویی بررسی گردیده است. استاد مطهری کلیه اعمال حسی و ذهنی را عمل می داند، در حالی که دیویی عمل را وسیله ای برای شناخت مطرح می کند.

در سوال دوم شباهت های اندیشه های استاد مطهری و جان دیویی در زمینه عمل مقایسه شده است . بر اساس آن هر دو متفکر تاثیر عمل را بر انسان تایید نموده و عمل را در کسب شناخت و حل مسائل مؤثر می دانند.

در سوال سوم تفاوت های اندیشه های مطهری و دیویی در این زمینه مورد بررسی قرار می گیرد. مطهری نظر و عمل را جدا از یکدیگر دانسته و اعمال را تنها راه کسب شناخت نمی داند و معتقد است علاوه بر تجربه

و تعامل با محیط، ارزشهای فطری انسان نیز در ساختن او مؤثرند. او اعتقاد دارد که نتیجه اعمال انسان ممکن است به حقیقت نرسد. در حالی که دیویی نظر و عمل را از یکدیگر جدا نمی داند و معتقد است، شناخت

در حین عمل بوجود می آید و از عمل جدا نیست و انسانها تنها محصول تجارب حاصل از تعامل با محیط خود هستند. نتیجه عمل انسان همان حقیقت است و ارزش اعمال را توانایی آنها در حل مسائل بشر می داند.

در سوال چهارم دلالت های تربیتی ناشی از عمل در اندیشه های این دو متفکر در مباحث مبانی و اهداف و اصول و برنامه و روش های تربیتی مورد بررسی قرار می گیرد که نشان دهنده گرایش استاد مطهری به

اعتقاد به وجود ابعاد جسمی و روحی در انسان است. او بر لزوم تربیت هردو بعد تاکید می ورزد. در حالی که دیویی به ابعاد تجربه پذیر انسانی و رشد آن نظر دارد.

در سوال پنجم که بررسی وجوه شباهت و دلالت های تربیتی دو اندیشمند می باشد، نتایج نشان می دهد که بر پرورش تفکر منطقی و لزوم یک برنامه درسی واقع بینانه و فعال بودن دانش آموز در روش های

عملی، توافق دارند.

در سوال ششم که وجوه تفاوت آنها در دلالت های تربیتی مورد بررسی قرار می گیرد، نشان دهنده اعتقاد

استاد مطهری بر وجود اهداف تربیتی ثابت و شکوفایی روح انسانی و اهمیت به هدف است. در حالی که دیویی تاکید بر کسب تجاربی دارد که ضمن حل مسائل بشری در زندگی مفید بوده و روش را مهمتر از هدف می داند.

این تحقیق از نوع پژوهشهای بنیادی نظری بوده و با روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش اسنادی گردآوری و برای تجزیه و تحلیل آنها از روش های تحلیل منطقی و

روش تطبیقی استفاده گردیده است.

واژه های کلیدی: عمل، تربیت، دلالت های تربیتی، علم، شناخت.

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۱	فصل اول (کلیات)
۲	۱-۱- مقدمه
۴	۲-۱- بیان مسأله
۶	۳-۱- اهمیت تحقیق
۸	۴-۱- اهداف تحقیق
۸	۵-۱- سوالهای تحقیق
۹	فصل دوم (ادبیات تحقیق)
۱۰	۱-۲- مقدمه
۱۰	۲-۲- مبانی نظری
۱۳	عمل از دیدگاه معرفت شناسی
۱۵	۱-۲-۱- اعتقاد به حصول معرفت از طریق تجربه و عمل صرف
۱۵	۱-۲-۲-۱- رابطه عمل و شناخت (از دیدگاه تجربه گرایی صرف)
۱۶	۲-۲-۱-۲- رابطه عمل و حقیقت (از دیدگاه تجربه گرایی صرف)
۱۷	۲-۲-۱-۳- رابطه عمل و انسان (از دیدگاه تجربه گرایی صرف)
۱۸	۲-۲-۲- اعتقاد به حصول معرفت از طریق تجربی و غیرتجربی
۱۸	۱-۲-۲-۲- رابطه عمل و شناخت (از دیدگاه غیر تجربی)
۲۰	۲-۲-۲-۲- رابطه عمل و حقیقت (از دیدگاه غیر تجربی)
۲۱	۲-۲-۲-۳- رابطه عمل و انسان (از دیدگاه غیر تجربی)
۲۳	۳-۲- پیشینه تحقیق
۲۸	فصل سوم (روش شناسی)

۲۹ ۱-۳- نوع تحقیق
۳۰ ۲-۳- روش تحقیق
۳۱ ۳-۳- روش گردآوری اطلاعات
۳۲ ۴-۳- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
۳۴ فصل چهارم (یافته های تحقیق)
۳۵ ۱-۴- مقدمه
۳۶ ۲-۴- سوال اول: مفهوم عمل در اندیشه های دیویی و مطهری
۳۶ ۱-۲-۴- مفهوم عمل از دیدگاه دیویی
۳۷ ۱-۱-۲-۴- اهمیت عمل
۳۸ ۲-۱-۲-۴- انواع عمل
۳۹ ۳-۱-۲-۴- رابطه عمل و شناخت
۴۲ ۴-۱-۲-۴- تاثیر عمل بر انسان
۴۴ ۵-۱-۲-۴- نتایج عمل
۴۵ ۶-۱-۲-۴- ارزش عمل
۴۶ ۲-۲-۴- مفهوم عمل از دیدگاه مطهری
۴۶ ۱-۲-۲-۴- اهمیت عمل
۴۷ ۲-۲-۲-۴- انواع عمل
۴۸ ۳-۲-۲-۴- رابطه عمل و شناخت
۵۰ ۴-۲-۲-۴- تاثیر عمل بر انسان
۵۲ ۵-۲-۲-۴- نتایج عمل
۵۳ ۶-۲-۲-۴- ارزش عمل
۵۴ - جمع بندی از سوال اول
۵۷ ۳-۴- سوال دوم: شباهت های اندیشه های مطهری و دیویی در زمینه عمل
۵۷ ۱-۳-۴- تعریف عمل
۵۸ ۲-۳-۴- اهمیت عمل
۵۸ ۳-۳-۴- انواع عمل
۵۹ ۴-۳-۴- رابطه عمل و شناخت
۶۲ ۵-۳-۴- تاثیر عمل بر انسان

- ۶۳ ۴-۳-۶- نتایج عمل
- ۶۴ ۴-۳-۷- ارزش عمل
- ۶۵ - جمع بندی از سوال دوم
- ۶۷ ۴-۴- سوال سوم: تفاوت‌های اندیشه های مطهری و دیویی در زمینه عمل
- ۶۷ ۴-۴-۱- تعریف عمل
- ۶۸ ۴-۴-۲- اهمیت عمل
- ۶۹ ۴-۴-۳- انواع عمل
- ۷۰ ۴-۴-۴- رابطه عمل و شناخت
- ۷۵ ۴-۴-۵- تاثیر عمل بر انسان
- ۷۷ ۴-۴-۶- نتایج عمل
- ۸۱ ۴-۴-۷- ارزش عمل
- ۸۲ - جمع بندی از سوال سوم
- ۸۴ ۴-۵- سوال چهارم: دلالت های تربیتی ناشی از عمل در اندیشه های دیویی و مطهری
- ۸۴ ۴-۵-۱- مبانی تربیتی از دیدگاه دیویی
- ۸۸ ۴-۵-۲- اهداف تربیتی از دیدگاه دیویی
- ۹۳ ۴-۵-۳- اصول تربیتی از دیدگاه دیویی
- ۹۶ ۴-۵-۴- دیدگاه دیویی در مورد برنامه
- ۱۰۱ ۴-۵-۵- روشهای تربیتی از دیدگاه دیویی
- ۱۰۴ ۴-۵-۶- مبانی تربیتی از دیدگاه مطهری
- ۱۰۹ ۴-۵-۷- اهداف تربیتی از دیدگاه مطهری
- ۱۱۱ ۴-۵-۸- اصول تربیتی از دیدگاه مطهری
- ۱۱۵ ۴-۵-۹- دیدگاههای مطهری در مورد برنامه
- ۱۱۷ ۴-۵-۱۰- روشهای تربیتی از دیدگاه مطهری
- ۱۲۳ - جمع بندی سوال چهارم
- ۱۳۰ ۴-۶- سوال پنجم: وجوه شباهت دلالت‌های تربیتی ناشی از عمل در اندیشه های مطهری و دیویی
- ۱۳۰ ۴-۶-۱- شباهتهای موجود در مبانی تربیتی
- ۱۳۱ ۴-۶-۲- وجوه تشابه در اهداف
- ۱۳۴ ۴-۶-۳- وجوه تشابه در اصول
- ۱۳۵ ۴-۶-۴- وجوه شباهتهای برنامه
- ۱۳۶ ۴-۶-۵- تشابه در روش

۱۴۰	جمع بندی از سوال پنجم
۱۴۲	۷-۴- سوال ششم: وجوه تفاوت دلالت های تربیتی ناشی از عمل در اندیشه های مطهری و دیوبندی
۱۴۲	۷-۴-۱- وجوه تفاوت نهادرمانی تربیتی
۱۵۲	۷-۴-۲- تفاوت در اهداف
۱۵۳	۷-۴-۳- وجوه تفاوت در اصول تربیتی
۱۵۵	۷-۴-۴- وجوه تفاوت در برنامه تربیتی
۱۵۹	۷-۴-۵- وجوه تفاوت در روشهای تربیتی
۱۶۱	جمع بندی از سوال ششم

۱۶۵	فصل پنجم (نتیجه گیری و پیشنهادها)
۱۶۶	۱-۵- مقدمه
۱۶۶	۲-۵- سوال اول
۱۷۱	۳-۵- سوال دوم
۱۷۴	۴-۵- سوال سوم
۱۷۹	۵-۵- سوال چهارم
۱۸۳	۶-۵- سوال پنجم
۱۸۵	۷-۵- سوال ششم
۱۸۸	محدودیت های پژوهش
۱۸۹	پیشنهادها
۱۹۱	منابع

فصل اول

کلیات

روش تطبیقی (comparison method) یکی از روشهای کشف حقیقت، مخصوصاً در مباحث مربوط به علوم انسانی است. تطبیق یعنی مقایسه بین دو یا چند نظر و بررسی شباهتها و اختلافات آنها به منظور پیدا نمودن پاسخ پرسشهای مطرح شده و کشف حقیقت.

«در ادبیات تحقیق معمولاً دو شیوه کلی که پژوهشگران را در جهت نیل به مقاصدشان یاری می دهد، وجود دارد و آنها عبارتند از: ۱- روش تجربه و آزمایش ۲- روش تطبیقی یا مقایسه ای.» (آقازاده، ۱۳۸۲، ص ۲۱، به نقل از موريس دوورژه).

روش تجربه و آزمایش بیشتر در تحقیقات طبیعی کاربرد دارد. در این روش به منظور بررسی فرضیه ها، نیاز به تجهیزات آزمایشگاهی است که با استفاده از روش مشاهده و آزمایش به بررسی های دقیق تجربی می پردازند.

در تحقیقهای علوم انسانی مخصوصاً مسائل تربیتی، روش تجربه و آزمایش دارای محدودیتهایی است که به ناچار می بایست به روشهای دیگری متوسل شد.

در این زمینه نظریه پردازان، نظریات مختلفی را ارائه می دهند که گاهی با یکدیگر شباهتها و تفاوتی دارند، و گاهی کاملاً با یکدیگر متضاد هستند. برای یافتن حقیقت در این موارد لازم است نظریات را در کنار یکدیگر گذاشت و با هم مقایسه نمود. و با تدبر در آنها، بهترین را برگزید. این بهترین همیشه لازم نیست یکی از دو نظریه به طور کامل باشد، گاهی با مقایسه بین ایده ها می توان از هر کدام نکته ای و مطلبی را برگزید، که حقیقت باشد. ما به پیروی از قرآن مجید که می فرماید: «بشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم الوالالباب» (آن بندگانند که چون سخن بشنوند پس پیروی می کنند خوبترش، آنان هستند که خدا آنان را به لطف خاص خود هدایت فرموده و هم آنان خردمندان عالمند).^۱ موظفیم که سخنان مختلف را بشنویم و با تحلیل آنها، سخن حق را بپذیریم. یکی از خصوصیات انسان مانند دیگر موجودات زنده رفتارهای اوست. او هم فکر می کند و هم عمل، او یاد می گیرد و یادگیریهای خود را ارتقاء می بخشد و رشد می کند و بر خلاف دیگر موجودات زنده که در طی سالها، امور خود را بر اساس غریزه و بدون تفکر انجام می دهند، او می تواند حتی بر خلاف نسل گذشته خود فکر کند و عمل نماید.

^۱ الزمر، آیه ۱۸

بررسی رفتارها و اعمال انسان و تفاوت‌های آنها و نقشی که در تعلیم و تربیت و سعادت انسان دارند، از مباحث مهمی است که کشف حقایق آن در مسائل مربوط به تعلیم و تربیت نقش ارزنده ای دارند. زندگی کلیه موجودات زنده از جمله انسان با اعمال او در آمیخته است و حتی در ظاهر اعمال او نشان دهنده وجود حیات اوست و اصولاً مطالعه انسان از هر بعدی (زیستی، اجتماعی، روانی و ...) بدون در نظر گرفتن اعمال او نمی تواند یک مطالعه کامل و جامع باشد و در واقع انسان و اعمالش از یکدیگر تفکیک ناپذیرند.

مرتضی مطهری و جان دیویی^۲ نیز به عنوان دو متفکر هر یک بر اساس نوع نگرش خود به جهان و انسان که ناشی از مکاتب اسلام و پراگماتیسم می باشد، در این مورد نظراتی دارند. دیویی معتقد است که عمل بر اندیشه تقدم دارد و انسان هر نوع شناختی را از راه عمل کسب می کند. مطهری معتقد است که اندیشه عمل را می سازد و انسان پس از یافتن جهان بینی به دنبال ایدئولوژی می رود و خود را ملزم می کند به بایدها و نبایدهای آن عمل نماید. منظور وی از جهان بینی همان پیدا کردن شناخت است، یعنی اول انسان باید شناخت پیدا کند و این شناخت است که به او می گوید چه اعمالی را انجام دهد و چه اعمالی را انجام ندهد (تقدم شناخت بر عمل). ولی دیویی بر اساس دیدگاه پراگماتیستی خود چون انسان را تنها یک ارگانیسم طبیعی می داند، معتقد است که مشاهدات و آزمایشها و تحقیقاتی که او در زندگی خود انجام می دهد، به او نسبت به خود و محیطش شناخت می دهد. اگر این چنین باشد، لازم است که با صراحت بگوییم که آنچه انسان از راههایی غیر از عمل، چون مطالعه کتب و شنیدن صحبت‌های دیگران و نظایر اینها کسب می کند، هیچ کدام شناخت نیستند. و یا حداقل شناخت واقعی نیستند. در صورتی که اینچنین افراطی نمی توان حکم صادر کرد، چرا که در این صورت مجبوریم فلاسفه ای را که با تفکر و بدون انجام اعمال یدی، تا کنون نظریه پردازی کرده اند، همه را فاقد شناخت بدانیم.

مقایسه اندیشه های یک متفکر مسلمان و یک متفکر پراگماتیست، در زمینه عمل، می تواند حقایق مهمی را برای ما به عنوان یک معلم، که با انسانهایی سر و کار داریم که موضوع ما اندیشه ها و رفتارها و تربیت آنهاست، در بر داشته باشد.

در این تحقیق جان دیویی به لحاظ وسعت دیدش و اهمیت به «مسائل انسانها»، انتخاب گردیده است. او با وجودی که پرداختن به مسائل فلسفه کلاسیک را رد نمی کرد، بلکه همواره در جستجوی مسائل اجتماعی و اخلاقی و نظری بود و آثار او علاوه بر فلسفه سنتی، مسائل عملی را در بر می گیرد.

^۲ John Dewey

او در زمینه فلسفه آموزش و پرورش نظرات مهمی داشته است و افکار وی در خلال قرن بیستم فلسفه آموزش و پرورش را شکل بخشیده است.

اندیشه های استاد مطهری در این تحقیق انتخاب گردیده است، چرا که او اندیشمندی است مسلمان که در فلسفه، کلام، معارف اسلامی و منطق صاحب آثار و کتابهای چندی است و همواره کوشیده است که در علوم مختلف اسلامی با استفاده از استدلالهای منطقی، نظریات موافق و مخالف را به نقد بکشد. در این تحقیق تلاش شده است که اندیشه های این دو متفکر در زمینه عمل با هم مقایسه شوند و شباهتها و تفاوتهای آنها مورد بررسی قرار گیرند و سپس دیدگاههای تربیتی آنها بر اساس این نظریات استخراج و وجوه شباهت ها و تفاوت های ایشان در این زمینه نیز بررسی گردد.

۱-۲- بیان مسأله

با توجه به اینکه نظریات جان دیویی در خصوص عملگرایی از بحثهای مهم تربیتی است و امروزه در بین علمای تعلیم و تربیت بحثهای فراوان موافق یا مخالف را به دنبال داشته است و از طرف صاحب نظران نقدهای گوناگونی بر آن وارد گردیده است، لذا بررسی و مقایسه آن با اندیشه های یک دانشمند مسلمان می تواند از مسایل قابل توجه باشد.

دیویی در رابطه با انسان و حتی دیگر موجودات، همه اعمال را به دور از مسائل ماوراء طبیعی می داند. وی معتقد است که کلیه اعمال انسانی در واقع اعمال طبیعی و حیاتی هستند که فرد به طور آگاهانه و یا ناخودآگاه برای سازگاری با محیط از خود نشان می دهد و تعادل به هم خورده موجود را با محیط، مجدداً به حالت متعادل بر می گرداند. وی حتی اعمال ذهنی چون تفکر را حاصل فعل و انفعالاتی می داند که در سیستم عصبی فرد اتفاق می افتد.

«دیویی به پیروی از داروین^۳، اعمال ذهنی و از جمله تفکر را نوعی کارکرد یا عمل حیاتی می داند که موجودات زنده و از جمله آدمی را در انطباق با محیط و تسلط بر آن یاری می کند.» (کاردان، ۱۳۸۱، ص ۲۲۱)

^۳ Charles-Darvin

وی به تدوین یک فلسفه آزمایش گرایانه پرداخت که در آن هر نوع معرفتی از راه «عمل» مبتنی بر مشاهده و آزمایش به دست می آید و تمام شناخت انسان از جهان حاصل تعاملی است که وی با محیط خود داشته است.

با توجه به اینکه وی همه چیز را به ارگانسیم و محیط طبیعی متغیر، محدود می کند، لذا هر نوع معرفت و ارزش و حقیقت را نیز متغیر می داند و به هیچ چیز ثابت و پایدار نمی اندیشد.

طبیعتاً در مسائل تربیتی نیز این اعتقادات پایه و اساس هدفها و اصول و برنامه و روشهای تدریس قرار می گیرد و هر یک از آنها از این نوع تفکر نشأت می گیرند. به طور مثال اهداف ثابت را باید کنار گذاشت. اصول و برنامه هایی را باید تدوین کرد که بر اساس اعمال فرد طراحی شده باشند و متغیر و انعطاف پذیر باشند. روشهای تدریسی را باید به کار گرفت که بر اساس مشاهده و آزمایش طراحی شده باشند و در مقابل این طرز تفکر، مطهری به عنوان یک اندیشمند مسلمان، با نگرشی دیگر به عمل نگاه می کند و به کسب کلیه معارف بشری از راه عمل اعتقاد ندارد و علاوه بر پذیرش جهان متغیر وجود حقیقتی ثابت را در ورای این تغییرات می پذیرد، لذا همه چیز را در تعامل بین انسان و محیط طبیعی او خلاصه نمی کند.

مسئلاً شخصی با این نگرش که به جز تعامل طبیعی انسان و محیط، مسائل معنوی مخصوصاً ایمان قلبی را مطرح می سازد، در مسائل تربیتی نیز به طور یقین اهداف و اصول و برنامه و روشهای او، از اندیشه های تربیتی دیویی متفاوت می باشند. به طور مثال در زمینه اهداف، وی فضائلی چون علم و زیبایی و عدالت و نظایر اینها را هدف نمی داند. به نظر او اینکه انسان نسبت به حقیقت معرفت پیدا کند و سپس آن را باور کند و به آن ایمان آورد، هدف است و تعلیم و تربیت باید در این مسیر حرکت کند. «ایمان از آن جهت واجب است که خودش پیوند انسان با حق است و نفس پیوند انسان با حق از نظر اسلام کمال است نه علم هدف است (علم به یک معنا همان حکمت است که علم به حقایق اشیاء است) نه زیبایی هدف است، نه عدالت و نه محبت. بلکه هدف فقط و فقط خداست و حقیقت. ولی حقیقتی است که توأم است با این چیزهای دیگر یا از باب مقدمه و یا از باب نتیجه.» (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۷۸)

بنابراین بحث عمل و متعاقباً نظریه عملگرایی و نقشی که می تواند در تعلیم و تربیت داشته باشد، از جمله بحثهایی است که از سوی متفکرین بر آن اتفاق نظری وجود ندارد و هر یک آن را به گونه ای تفسیر می کنند. در اینکه عمل جزء لا ینفک زندگی بشری است، شکی نیست، نقش عمل در مسائل آموزشی و پرورشی نیز بر هیچ کس پوشیده نمی باشد، لذا پی بردن به حقیقت موضوع و اینکه از عمل

چگونه می توان بیشترین استفاده را در تعلیم و تربیت نمود، از مسائلی است که حل آن می تواند ضمن روشن ساختن بسیاری از واقعیتها، کمک بزرگی در امر تعلیم و تربیت نماید.

لذا تحقیق حاضر، بر آن است که مفهوم «عمل» را در نظریات دیویی بیشتر مورد بررسی قرار داده و دلالتهای تربیتی را که از این نظریات نشأت گرفته اند، بررسی و با نظریات مرتضی مطهری به عنوان یک متفکر مسلمان در خصوص عمل و دلالتهای تربیتی آن مقایسه نموده و نقاط ضعف و قوت هر کدام به طور جداگانه مورد نقد و تحلیل قرار گیرد.

مقایسه و تحلیل نظرات این دو اندیشمند در مبانی معرفت شناسی «عمل» می تواند ضمن آشنا نمودن ما با فرایند عمل، در تدوین برنامه ها و روشهای تربیتی نیز راهنمای ما باشد.

۱-۳- اهمیت تحقیق

بحث عمل امروزه یکی از بحثهای مهم فلسفه است و عده زیادی از فلاسفه از مکاتب مختلف به عنوان مدافع و یا به عنوان منتقد، درباره آن بحث می کنند و با توجه به اینکه فلسفه امروز فقط شامل بحثها و اصطلاحات فلسفی ما بین فیلسوفان نیست، بلکه شامل کلیه مسائل عادی زندگی انسانها است که روزانه با آن درگیرند، لذا مباحث مربوط به عمل در بسیاری از مسائل روزمره مردم مخصوصاً مسائل آموزشی وارد شده است.

امروزه بحث عمل در مسائل تربیتی و آموزش و پرورش جایگاه خاصی دارد. نه فقط از آن جهت که مفهوم عمل چیست و چه رابطه ای بین عمل و اندیشه وجود دارد؟ و نظایر اینها. بلکه چگونگی استفاده از آن در آموزش و پرورش اهمیت خاصی دارد.

کلیه مکاتب هر گاه وارد بحث آموزش و پرورش می شوند، بر اساس اعتقادات و باورهای خود سعی می کنند اصول و برنامه هایی در این زمینه تدوین کنند و بر آن اساس روشهایی را در امر تدریس طراحی نمایند. هگل^۴ معتقد است که روح انسان تا نتواند به صورت عمل در آید، نمی تواند بالقوه بودنش را نشان دهد. در واقع به نظر وی «عمل» مظهر نمایش افکار و اعتقادات و نیتهای درونی ما می تواند باشد.

^۴ Hegel

« از نظر هگل ذات روح انجام عمل و کار است که بالقوه بودن خویش را تحقق می بخشد. خود را به کردار خود، کار خود تبدیل می کند. و بدینسان به موضوع خویش تبدیل می شود.» (آموزگار، ۱۳۷۹، ص ۲۸۶)

در متون اسلامی نیز «عمل» اهمیت فراوانی دارد و از نظر دین اسلام، اعمال هر فردی می تواند نجات بخش او باشند. و اعمال صالح است که از سوی خداوند پذیرفته می شود، نه ادعاهای زبانی. بر این اساس اعمال انسان است که انسان را می سازند، نتایجی که از عمل برای انسان باقی می ماند، جزئی از وجود انسان می شود و از او جدا شدنی نیست. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان (۱۳۹۱ ق) در تفسیر آیه ۳۹ از سوره نجم (لیس للانسان الا ما سعی) می نویسد: «برخورداری و تملک آدمی نسبت به سعی و تلاش خود، همانند تملک یک شیء توسط وی نیست بلکه حاکی از آن است که نتایج عمل آدمی به طور عمیق در قلب وی نفوذ کرده و حتی با مرگ نیز از وی جدا نمی شود.» این مطلب نشان می دهد که آنچه انسان بر آن تملک دارد. هر لحظه می تواند از انسان گرفته شود و تملک انسان بر آن قطع گردد. ولی نتایج حاصل از عمل این چنین نیست و این نتایج جزئی از وجود فرد می شوند در واقع خود فرد می شوند و او را می سازند و چه موضوعی از این مهمتر می تواند باشد که انسان چگونه ساخته شود؟ و انسان قرار است چه شود؟ و او صاحب چه شخصیتی خواهد شد؟

مکتب پراگماتیسم نیز در این زمینه اهمیت زیادی را برای عمل و نتایج آن قائل است. صاحب نظران این مکتب عقیده دارند که انسان تمام شناخت خود را از طریق عمل کسب می کند و انسان پس از هر عمل صاحب شخصیتی جدید می گردد که این تغییرات و ساخته شدنهای جدید حاصل اعمالی است که او در محیط انجام داده و در تمام وجود او موثر بوده و انسان چیزی نیست، جز همین ساخته شدن توسط اعمال خود. (آموزگار، ۱۳۷۹ صص ۲۸۳، ۲۸۴)

بر این اساس مشخص می گردد که موضوع «عمل» یکی از موضوعات مهم انسان است که چه از نظر فلاسفه غرب و چه فلاسفه مسلمان نقش مهمی در حیات بشر دارد و خود بخود این اهمیت در مسائل تعلیم و تربیت که خود یکی از بزرگترین مسائلی است که بشر با آن روبروست، به وضوح نمایان است و نظریات تربیتی ناچارند در این مورد به تحقیق و پژوهش و نظریه پردازی بپردازند.

۱-۴- اهداف تحقیق

هدف اصلی:

بررسی تطبیقی عمل و دلالت های تربیتی آن در اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی

اهداف فرعی:

- ۱- تبیین مفهوم عمل در اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی .
- ۲- بررسی شباهت ها در اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی در زمینه عمل.
- ۳- بررسی تفاوت ها در اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی در زمینه عمل.
- ۴- بررسی دلالت های تربیتی ناشی از عمل بین اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی.
- ۵- بررسی تشابهات در دلالت های تربیتی ناشی از عمل بین اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی.
- ۶- بررسی تفاوت ها در دلالت های تربیتی ناشی از عمل بین اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی.

۱-۵- سئوالهای تحقیق:

سئوالات فرعی:

۱. مفهوم عمل در اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی چیست؟
۲. شباهت های اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی در زمینه عمل کدام است؟
۳. تفاوت های اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی در زمینه عمل کدام است؟
۴. دلالت های تربیتی ناشی از عمل در اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی کدام است؟
۵. وجوه شباهت دلالت های تربیتی ناشی از عمل در اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی کدام است؟
۶. وجوه تفاوت دلالت های تربیتی ناشی از عمل در اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی کدام است؟

فصل دوم

ادبیات و

پیشینه تحقیق

با توجه به عنوان تحقیق بررسی تطبیقی عمل و دلالت های تربیتی آن در اندیشه های مرتضی مطهری و جان دیویی، بررسیهای انجام شده در مورد پیشینه تحقیق نشان داد، در گذشته تحقیق خاصی در این مورد انجام نشده است و تحقیقاتی که وجود داشت، هر یک از زاویه ای خاص و به طور غیر تطبیقی در مورد یکی از این دو اندیشمند انجام شده بود.

در این فصل ابتدا به بحث در مورد عمل و مفهوم آن پرداخته می شود و تفاوت آن با رفتار مورد بررسی قرار می گیرد و سپس عمل از جنبه معرفت شناسی تحلیل می گردد. برای این کار دو رویکرد متفاوت، که یکی تنها راه کسب معرفت را تجربه و عمل می داند و دیگری علاوه بر تجربه و عمل به معارف غیر تجربی نیز معتقدند، بررسی می گردند.

برای بررسی این دو رویکرد ابتدا شناخت مورد بحث قرار می گیرد و سپس دو رویکرد مذکور در زمینه های رابطه عمل و شناخت، رابطه عمل و حقیقت، رابطه عمل و انسان، به طور جداگانه، توصیف می گردند. سپس خلاصه ای از تحقیقات انجام شده در این زمینه مطرح می گردند. در بعضی از آنها که در واقع استفاده از روشهای جان دیویی در روشها می باشد می توان در بحث دلالت های تربیتی این تحقیق استفاده نمود و در تحقیقات دیگر نیز تا حدودی دیدگاههای استاد مطهری را در مقایسه با پراگماتیسم و معرفت شناسی ایشان و دلالت های تربیتی آن نشان می دهند. کتب و مقالاتی که در مورد دیدگاههای جان دیویی نوشته شده اند کم نیستند، ولی در کلیه این تالیفات اندیشه های ایشان بدون مقایسه با اندیشه های دیگران آورده شده اند و معمولاً حالت تطبیقی ندارند.

همچنین کتبی که در مورد استاد مطهری تالیف گردیده اند، بیشتر نوشته ها و یا سخنرانیهای ایشان هستند و در آنها اصول و برنامه ها و روشها به وضوح مشخص نشده اند و لازم است که از متن نوشته ها و سخنرانیهای ایشان استخراج گردند.

۲-۲- مبانی نظری

تعریف عمل

یکی از خصوصیات موجود زنده اعمال و رفتاری است که از خود بروز می دهد. برای مطالعه اعمال انسان، شناخت وجوه اشتراک و تمایز آنها با رفتار ضروری است.

لذا قبل از هر بحثی در این مورد، لازم است «رفتار» را تعریف نمود. رفتار (behavior) آن دسته از فعالیتهای جاندار است که به وسیله یک جاندار دیگر یا با دستگاههای آزمایشگاهی قابل مشاهده است. این اصطلاح به گزارشهای کلامی تجارب خصوصی هشیار نیز اطلاق می شود.

روانشناسان، رفتارها را به دو دسته رفتارهای آشکار و نهان تقسیم می کنند. رفتارهای آشکار رفتارهایی هستند که توسط دیگر موجودات قابل مشاهده و ضبط هستند. رفتارهای نهان رفتارهایی هستند مانند تفکر که توسط دیگران قابل مشاهده و ضبط نیستند. به عبارتی دیگر «رفتار به اعمال مختلف درونی و بیرونی فرد گفته می شود. روانشناسان رفتارها را به دو دسته رفتارهای آشکار و رفتارهای نهان تقسیم می کنند. رفتار آشکار به اعمالی که مستقیماً قابل مشاهده هستند گفته می شود. مانند صحبت کردن، نوشتن، راه رفتن، و جز اینها، رفتار نهان به اعمال درونی فرد که به طور مستقیم قابل مشاهده نیستند گفته می شود، مانند یادآوری، تفکر، تخیل، و از این قبیل (سیف، ۱۳۶۸، ص ۵۰).

رفتار از جمله خصوصیتی است که می توان آن را خاص موجودات زنده دانست و در واقع موجودات غیر زنده فاقد آن هستند. رفتار گرایانی چون واتسون^۱، رفتار را عکس العمل موجود زنده در مقابل محرکهای خارجی می دانند. آنها رفتار را تابع رویدادها و محرکهای محیطی می دانند و معتقدند که این محیط است که با تحریکات خود، موجود زنده را وادار به عکس العمل خاصی می کند، در واقع محیط، کنترل کننده رفتارهای موجود زنده است.

«واتسن محیط را نخستین شکل دهنده رفتار می داند و معتقد است که با کنترل محیط می توان رفتار افراد را شکل داد» (شعاری نژاد، ۱۳۸۱، ص ۵۱۹).

اسکینر^۲ یکی دیگر از رفتارگرایان، هر گونه دخالت نیروی درونی موجود زنده را در شکل دهی رفتارهای او رد می کند و معتقد است که کلیه رفتارهای ما تابع نیروهای محیطی است. «به نظر اسکینر در درون موجود زنده چیزی که برای تبیین رفتار، مفید یا لازم باشد وجود ندارد. ما به وسیله نیروهای محیطی جهان بیرونی و نه به وسیله نیروهای موجود در درونمان، وادار به عمل می شویم» (همان، صص ۵۲۱، ۵۲۰).

بر خلاف اسکینر، روانشناسان عوامل فیزیولوژیکی را نیز در شکل گیری رفتارهای انسان مهم می دانند و معتقدند که عوامل درونی و محیطی هر دو اساس رفتارهای انسان را می سازند. «اساس و مبنای رفتار در انسان عبارتند از: ۱- عوامل فیزیولوژیکی ۲- عوامل محیطی» (نوابی نژاد، ۱۳۷۲، صص ۲۰ - ۱۹، چاپ).
برای مشاهده نقش عوامل محیطی بر روی رفتار می توان برای مثال دو نفر دوقلوهای همسان را که از نظر عوامل فیزیولوژیکی یکسان هستند، در دو محیط مختلف مطالعه نمود. ولی برای مشاهده نقش عوامل